



Other Religions and Schools of Thought, Based on the Tradition “al-Islām ya‘lū wa lā yu‘lā ‘alayh”

Amir Hossein Mansouri¹

Mohammad Hossein Kavousi²

Abstract

This article is formed around the central question: How can the origin of Islam’s superiority over other religions and schools of thought be analyzed? Answering this question is significant insofar as it enables the identification of the true and authentic religion—which is singular—and aids in freeing people from confusion amid the diversity of religions and intellectual traditions. Employing a descriptive–analytical method, this study examines the reasons for Islam’s superiority over other religions, as well as the various dimensions in which alternative religious traditions exhibit deficiencies, grounding the discussion in the Prophetic report, “al-Islām ya‘lū wa lā yu‘lā ‘alayh.” The findings indicate that Islam, through a process of doctrinal and historical culmination, has attained its perfected form in the pure Islam taught by the Prophet (may God’s blessings be upon him and his family), which stands as the most complete and authoritative of all. The study further concludes that earlier divine religions, each within its own era, represented legitimate and followable expressions of divine guidance; however, with the advent of the final religion, the earlier traditions became superseded and rendered insufficient. The principal ground of Islam’s superiority is the existence of a perpetual safeguard against deviation in both doctrinal and practical dimensions—namely, the institution of Imamate after the Prophet. It is this distinctive feature that has continually preserved pure Islam from deviation and will continue to do so.

Keywords

Pure Islam; Superiority of Islam; Belief; Imamate; Practice; al-Islām ya‘lū wa lā yu‘lā ‘alayh.

1. Assistant Professor, Department of Philosophy and Theology, Shahid Rajaei University, Tehran; Lecturer at Marvi Seminar. (Corresponding Author)

2. Level Two Seminary Student at Marvi Seminary



تحلیل منشأ و چگونگی برتری اسلام بر سایر ادیان و مکاتب با تکیه بر روایت «الاسلام یعلو ولایعلی علیه»

امیرحسین منصوری نوری^۱
محمدحسین کاووسی^۲

چکیده

این مقاله در پی پاسخ‌گویی به سؤال اصلی «منشأ برتری اسلام بر سایر ادیان و مکاتب چگونه تحلیل می‌شود؟» شکل گرفته است. پاسخ به این سؤال از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند دین واقعی و حقیقی - که واحد است - را مشخص کند و انسان‌ها را از سردرگمی در میان ادیان و مکاتب گوناگون رهایی بخشد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی علل برتری اسلام بر سایر ادیان و نیز ضعف دیگر ادیان در عرصه‌های مختلف، با تکیه بر روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌پردازد. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که اسلام در یک روند تکاملی به اسلام ناب محمدی (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) رسیده است که برترین شکل دین الهی به‌شمار می‌آید. بر این اساس، ادیان الهی هر یک در زمان خود، اسلام حق و قابل پیروی بوده‌اند، اما با ظهور آخرین دین، ادیان پیشین باطل و ناکارآمد شده‌اند. علت اصلی برتری اسلام، وجود پشتوانه‌ای دائمی برای جلوگیری از گمراهی در ابعاد اعتقادی و عملی، یعنی نهاد امامت پس از پیامبر است. همین ویژگی خاص، همواره اسلام ناب را از گمراهی حفظ کرده و در آینده نیز حفظ خواهد کرد.

کلیدواژه:

اسلام ناب، برتری اسلام، اعتقاد، امامت، عمل‌کرد، الاسلام یعلو ولایعلی علیه.

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه شهید رجایی تهران و استاد حوزه علمیه مروی (نویسنده مسئول)

۲. طلبه سطح دو حوزه علمیه مروی



۱. بیان مسئله

بی‌تردید در طول تاریخ، ادیان و مکاتب متعددی در تلاش بوده‌اند تا راهنمایی‌ها و راه‌حل‌هایی برای مسائل انسانی و اجتماعی ارائه دهند. هر یک از این ادیان و مکاتب دارای آموزه‌ها، اصول و ارزش‌های خاص خود بوده‌اند؛ اما در این میان، اسلام به عنوان یکی از فراگیرترین و جامع‌ترین ادیان، توانسته است تأثیرات عمیقی بر جوامع مختلف برجای گذارد و جایگاه ویژه‌ای در میان ادیان و مکاتب به دست آورد.

روایت «الاسلامُ یعلو و لا یُعلى علیه؛ اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد» از اصول اساسی دین اسلام است که به تبیین برتری اسلام نسبت به سایر ادیان و مکاتب می‌پردازد و با این تحدی، تمامی ادیان و مکاتب را به مقابله در همه عرصه‌ها فرا می‌خواند. از آن‌جا که اثبات این برتری، نقشی اساسی در گرایش و تعمیق باورمندی به اسلام ناب محمدی دارد، کندوکاو در این مسئله اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در قرون اخیر، مکاتب خودساخته بسیاری پدید آمده‌اند که ادعای هدایت انسان به سعادت دنیوی و اخروی را داشته‌اند؛ اما هیچ‌یک تحدی‌ای همانند تحدی‌های اسلام مطرح نکرده‌اند.

از این‌رو، لازم است تحقیقی جامع و مبسوط درباره علل و منشأ این برتری صورت گیرد تا، نخست، مسلمانان به درک عمیق‌تری

از اسلام دست یابند و، دوم، غیرمسلمانان نیز بتوانند با نگاهی جامع به داوری درباره ادیان و پذیرش دین حق بپردازند. بر همین اساس، این مقاله تحلیلی و تبیینی جامع از روایت «الاسلامُ یعلو و لا یُعلى علیه» و نیز بررسی منشأ و چگونگی برتری اسلام بر سایر ادیان و مکاتب، با استفاده از منابع معتبر دینی و علمی ارائه خواهد داد.

برای نیل به این هدف و در پاسخ به پرسش اصلی «منشأ برتری اسلام بر سایر ادیان و مکاتب چگونه تحلیل می‌شود؟»، ابتدا لازم است به پرسش‌های فرعی زیر پاسخ داده شود:

۱. تحلیل وجه برتری بینشی - اعتقادی اسلام چگونه است؟
۲. تحلیل وجه برتری گرایشی - اخلاقی اسلام چگونه است؟
۳. تحلیل وجه برتری کنشی - رفتاری اسلام چگونه است؟

این پژوهش تلاشی در جهت تحلیل چگونگی برتری اسلام بر سایر ادیان و مکاتب است؛ با این حال، با توجه به اهمیت و گستردگی موضوع و اینکه اندیشمندان بسیاری به آن پرداخته‌اند، بررسی پیشینه پژوهش ضرورت دارد تا از انجام تحقیقات مشابه جلوگیری شود.

این پژوهش تلاشی است برای تحلیل چگونگی برتری اسلام بر سایر ادیان و مکاتب اما با توجه به پراهمیت و فراگیر بودن این موضوع و اینکه اندیشمندان زیادی به آن



پرداخته‌اند لازم است پیشینه آن بررسی شود تا از انجام تحقیق مشابه جلوگیری شود.

۲. پیشینه

در خصوص برتری اسلام بر سایر ادیان، پژوهش‌هایی انجام شده است که از زوایای مختلف به تحلیل این مسئله پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌کدام - به جز شهید مطهری که به صورت موجز در کتاب حماسه حسینی به این نکته اشاره کرده‌اند - از منظر روایت اعتلاء به این مسئله توجه نکرده‌اند. با این وجود، در ادامه به مهم‌ترین و نزدیک‌ترین مقالات به مقاله حاضر اشاره می‌شود:

۱. مقاله «برتری اسلام بر سایر ادیان از دیدگاه آیات و روایات» (میراحمدی، محدثه سادات، ۲۰۱۹م) که به بررسی برتری اسلام از دید قرآن و ائمه معصومین علیهم‌السلام و با رویکردی نقلی می‌پردازد. این در حالی است که مقاله حاضر، با تمرکز بر مفاهیم بنیادین اسلام (بینش، گرایش و کنش) و با تکیه بر روایت اعتلاء، علاوه بر اثبات نقلی برتری اسلام بر سایر ادیان، به اثبات این برتری به روش عقلی نیز اهتمام دارد.
۲. مقاله «مطالعه تطبیقی برتری آیین اسلام بر آیین زرتشت» (سلمانی، ناهید؛ کریمی‌نیا، محمد مهدی؛ انصاری مقدم، مجتبی؛ سعید انصاری‌نیا، ۲۰۲۱م) که صرفاً در پی

اثبات برتری اسلام بر آیین زرتشت است؛ برخلاف مقاله پیش رو که به بررسی برتری اسلام بر تمامی ادیان و مکاتب می‌پردازد.

پیش از ورود به اصل بحث، لازم است ابتدا برخی مفاهیمی که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند، تبیین و روشن شوند.

۳. ایضاح مفهومی

از آنجا که مفهوم روایت مورد بحث کمتر مورد استفاده قرار گرفته و به مصادیق آن بیشتر پرداخته می‌شود، این بخش به مفهوم‌شناسی روایت اعتلا و واژه علو اختصاص یافته است.

۱.۳. مفهوم شناسی، بررسی سندی و دلالت روایت «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه»

حدیث اعتلاء در منابع شیعی، در کتاب من لایحضره الفقیه - که از کتب اربعه و منابع معتبر روایی به شمار می‌آید - به صورت سند مرفوع نقل شده است (صدوق، ۱۹۹۲م، ج ۴، ص ۳۳۴). این روایت در منابع اهل سنت نیز، از جمله در کتاب سنن الدارقطنی و کشف الخفاء عجلونی نقل شده است. با این حال، به دلیل همخوانی دلالتی آن با آیه نفی سبیل - که بر نفی تسلط کفار دلالت دارد - می‌توان به آن اعتماد کرد و بدین وسیله ضعف سندی روایت جبران می‌شود (حاجی‌علی، ۲۰۰۷م، ص ۱۵۱).

این حدیث از جمله روایاتی است که، بنابر نظر شهید مطهری، علمای علوم



مختلف اسلامی می‌توانند از آن استفاده کرده و نتایج گوناگونی استنباط کنند (مطهری، ۲۰۲۵م، ج ۱، ص ۱۹۸). دلیل این گستردگی، اطلاق روایت است که امکان بهره‌گیری از آن را در علوم مختلفی همچون فقه، کلام^۱ و دیگر حوزه‌های معرفتی فراهم می‌سازد.

۱. واژه‌شناسی لغوی و اصطلاحی «علو»

اصل ماده «عُلُو» به معنای بالا و بالا بودن است؛ چه در امور مادی و چه در امور معنوی (مصطفوی، ۱۹۸۹م، ج ۸، ص ۲۱۴). با توجه به این معنا، می‌توان گفت برداشت علمای کلام از این روایت - که نتیجه آن برتری اسلام در همه عرصه‌ها و بر تمامی ادیان و مکاتب است - برداشتی صحیح و موجه به‌شمار می‌آید. چنین برداشتی، تأمین‌کننده سعادت بشری نیز خواهد بود؛ سعادت به معنای «رسیدن به هر نوع کمال ممکن که انسان استعداد و شایستگی وصول به آن را دارد و، به عبارت دیگر، استفاده صحیح از امکانات مادی و معنوی که در اختیار انسان است» (مکارم شیرازی، ۲۰۱۰م، ص ۲۴).

۲. دلیل عقلی برتری اسلام بر تمامی ادیان

پیشین:

با لحاظ حکمت خداوند - به عنوان عقیده‌ای مورد قبول تمامی ادیان - و با پذیرش دو مقدمه: نخست، اینکه پیامبران

دعوت‌کننده به اسلام، مسیحیت و یهودیت از جانب خداوند فرستاده شده‌اند؛ و دوم، اینکه ادیان ابراهیمی، ادیانی جهانی هستند، نسبت دین تازه فرستاده شده با ادیان پیشین از سه حال خارج نیست:

۱. دین جدید نسبت به دین پیشین دارای کمبود باشد؛ در این صورت، با وجود دین کامل‌تر، فرمان خداوند به پیروی از دین ناقص صادر شده که این امر خلاف حکمت بوده و برای موجود حکیم، قبیح و محال خواهد بود.

۲. دین جدید از نظر آموزه‌ها با ادیان پیشین برابر باشد؛ در این صورت، فعل خداوند لغو و ناسازگار با حکمت خواهد بود و تحقق آن محال است.

۳. تنها فرض باقی‌مانده آن است که دین متأخر از تمامی ادیان پیشین بالاتر و برتر باشد تا با حکمت الهی سازگاری پیدا کند (منتظری، ۲۰۰۹م، ص ۱۲۹).

بر اساس این دسته‌بندی، عقل حکم می‌کند که دین اسلام، به عنوان آخرین دین، در تمامی عرصه‌ها و جنبه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و عملی، از دو دین دیگر - مسیحیت و یهودیت - برتر باشد. این در

۱. فقه: در فقه قاعده‌ای از این روایت با مضمون این که احکامی که نتیجه آن برتری غیرمسلمان بر مسلمان باشد، وجود ندارد برداشت شده است.

کلام: در علم کلام از اطلاق روایت استفاده می‌شود و برتری اسلام را در همه عرصه‌ها اعم از بینشی (جهان بینی)، گرایشی (اخلاق) و عملی (احکام) نتیجه می‌گیرد.



صورتی است که شریعت غیرمحرّف در ادیان دیگر پذیرفته شود؛ امری که امروزه در دسترس نیست. با این حال، در مورد شریعت‌های محرّفی که اکنون موجودند، این برتری روشن‌تر است. از این رو، می‌توان وجوه برتری اسلام را در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، اخلاقی و عملی مورد کندوکاو و بررسی قرار داد.

۴. تحلیل وجه برتری بینشی (اعتقادی) اسلام بر سایر ادیان

در حیطه اعتقاد و جهان بینی، اسلام دارای مؤلفه و اندیشه‌های منحصر به فردی است که باعث جامعیت و ممتاز بودن آن از سایر ادیان و مکاتب می‌شود. برای تحلیل بهتر این مؤلفه‌ها، ابتدا باید به تعریف بینش و اعتقاد اسلامی و سپس به طرح و بررسی موارد آن‌ها پرداخته شود.

۱.۴. تعریف بینش و اعتقاد در ادیان و تفاوت آن‌ها با یکدیگر

به نظر نگارندگان، اعتقاد به معنای باورداشتن به گزاره‌هایی اعم از دینی، فلسفی، و... است. اعتقاد می‌تواند حاصل استدلال‌ات عقلی، شهود و یا تجربه باشد، اما بینش را مجموعه‌ای از اعتقادات شکل می‌دهند. در واقع بینش یک گزاره نیست، بلکه نتیجه چندین گزاره است که فرد به آن‌ها اعتقاد دارد و بر مبنای آن‌ها در زندگی به تحلیل مسائل مختلف و عمل بر اساس آن می‌پردازد. در حقیقت، اعتقاد مبنای بینش است و بینش اسلامی استوار بر عقاید

برگرفته از قرآن و سنت هستند. این اعتقادات باعث شکل‌گیری جهان بینی خاصی در فرد مسلمان می‌شود که او را در تمامی مراحل و اتفاقات زندگی یاری می‌کند بدون اینکه شخص دچار ترس و سردرگمی شود. این آموزه‌ها دارای نظام ویژه‌ی هستند که وقتی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند الگوواره جهان بینی فرد را تشکیل می‌دهند و الا هیچ کدام به تنهایی به مقصود نهایی اسلام که تکامل فرد و سعادت دنیوی و اخروی او باشد رهنمون نخواهد شد.

۲.۴. ویژگی‌های بینشی. عقیدتی اسلام، مسیحیت و یهودیت و تفاوت آن‌ها

الف) اعتقاد به توحید خدا: در اسلام، مسیحیت و یهودیت، اصل اعتقاد باور به وجود و یگانگی خدا وجود دارد؛ اما تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که تفاوت‌های آن‌ها را می‌توان در سه موضوع دسته بندی کرد:

۱.۲.۴. توصیف بساطت ذات خدا و عدم ترکیب آن در ادیان الهی

اسلام:

در دیدگاه اسلام، ذات خداوند واحد و احد، یعنی بسیط و به دور از هرگونه ترکیب-چه بالقوه و چه بالفعل-است (مصباح یزدی، ۲۰۰۴م، ص ۱۳۵). امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه شصت و پنجم نهج البلاغه می‌فرمایند: «كُلُّ مُسَمًّى بِالْوَحْدَةِ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ قَلِيلٌ» (سید رضی، خطبه ۶۵، ص ۸۰)؛ (هر



چیزی که به غیر از خدای متعال به وحدت نامیده شود، اندک و محدود است). از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که بساطت مطلق، اختصاص به ذات الهی دارد؛ یعنی هر موجودی دارای نوعی ترکیب است، اما تنها خداوند است که از هرگونه ترکیب مبرا است.

مسیحیت

در مسیحیت، اعتقاد به اقنوم‌های سه‌گانه-پدر، پسر (عیسی مسیح) و روح‌القدس-وجود دارد که، بنا بر این باور، هم سه‌گانه‌اند و هم در عین حال واحد. در این باره، آگوستین قدیس می‌گوید: «هر یک از آنان به تنهایی خداست و همه با هم یک خدا هستند» (آگوستین، ۲۰۲۲م، ص ۴۰).

یهودیت

اعتقاد یهودیت درباره ذات خدا، به اسلام نزدیک است و باور به یگانگی ذات الهی در آن وجود دارد؛ اما تصویری که گاه در تورات از خدا ارائه می‌شود، حاکی از خدایی مرکب و دارای جسم است. برای نمونه، در روایتی که کشتی گرفتن خدا با یعقوب، همراه با جزئیات آن ترسیم شده است (سیار، ۲۰۲۴م، ص ۲۴۲)، خداوند در قالب جسمی انسانی به تصویر کشیده می‌شود. در ادامه، این مسئله ذیل عنوان «بساطت ذات» مورد تحلیل و نقد قرار خواهد گرفت.

اسلام: در دیدگاه اسلام، ذات خدا واحد

و احد یعنی بسیط و به دور از هرگونه ترکیب. چه بالقوه و چه بالفعل. است (مصباح یزدی، ۲۰۰۴م، ص ۱۳۵). امیرالمومنین (علیه السلام) در خطبه شصت و پنجم نهج البلاغه می‌فرماید: «كُلُّ مُسَمًّى بِالْوَحْدَةِ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ قَلِيلٌ» (سید رضی، ص ۸۰، خطبه ۶۵) (هر چیزی که به غیر از خدای متعال دارای وحدت نامیده شود کم است) از این روایت می‌توان بسیط بودن مطلق را مخصوص خدا دانست یعنی اینکه هر موجودی دارای ترکیبی است ولی فقط خداست که عاری از ترکیب است.

مسیحیت: در مسیحیت اعتقاد به اقنوم‌های سه‌گانه - پدر، پسر (عیسی مسیح) و روح‌القدس - که به عقیده‌شان هم سه تا هستند و هم واحد. در این باره آگوستین قدیس می‌گوید: هر یک از آنان به تنهایی خداست و همه با هم یک خداوند (آگوستین، ۲۰۲۲م، ص ۴۰).

یهودیت: اعتقاد یهودیت در باب ذات خدا شبیه به اسلام است و اعتقاد به یگانگی ذات او وجود دارد اما تصویری که گاهی از خدا در تورات نشان داده می‌شود حاکی از خدایی مرکب و دارای جسم است. در این تصویر که کشتی گرفتن خدا با یعقوب به همراه جزئیات به تصویر کشیده شده است (سیار، ۲۰۲۴م، ص ۲۴۲) نشان دهنده خدا در قالب جسمی انسانی است. در زیر به تحلیل و نقد این موضوع با عنوان بساطت ذات پرداخته خواهد شد.



۲.۲.۴. تحلیل و نقد بساطت ذات در ادیان الهی

الهی

شیء مرکب، نیازمند اجزای خویش است و این نیازمندی با بی‌نیازی ذات باری تعالی ناسازگار است. ذات خداوند، دست‌نیافتنی‌ترین مفهوم به شمار می‌رود؛ زیرا ظرفیت محدود عقل انسان، توانایی درک ذات باعظمت، بسیط و مطلق خدای متعال را ندارد. در اسلام، صفات خداوند با ذات او عینیت دارند؛ به عبارت دیگر، صفات، متحد با ذات هستند. چراکه اگر صفات، مغایر با ذات باشند، مستلزم ترکیب در ذات الهی خواهد بود و این امر، خدا را محتاج به اجزای خویش می‌سازد، که امری محال است. محال بودن این امر از آن جاست که خداوند از ساحت تنزیه و بساطت خارج می‌شود.

به نظر نگارندگان، ترکیب در ذات، موجب دست‌یافتنی شدن ذات خدا و آشکار شدن ضعف و عجز در او خواهد شد. البته عالمان مسیحی با توجیهات و تمثیلاتی-مانند تشبیه تثلیث به آتش و هم‌زمانی ویژگی‌های آن، همچون سوزاندن، روشنایی و قرمز بودن- کوشیده‌اند از این معضل برون‌رفت یابند؛ اما همچنان مشکل اصلی، یعنی نیازمندی خدا به اجزاء- به صورت ذهنی-باقی می‌ماند. ماجرای کشتی گرفتن خدا با حضرت یعقوب را می‌توان به دعای مصرانه تأویل کرد، اما تقاضای خدا از حضرت یعقوب برای رها کردن پا، قابل تأویل نیست. با این توضیح،

توصیف و تحلیل عدم جسمانیت خدا ضروری به نظر می‌رسد.

۳.۲.۴. توصیف عدم جسمانیت خدا در

ادیان الهی

اسلام: از جمله صفاتی که در اسلام برای خدا بدیهی به شمار رفته است قابل رویت نبودن خدا و عدم جسمانیت او است (غروی، ۲۰۰۹م، ص ۱۸۴). در قرآن به صراحت قابل رویت بودن خدا با دیدگان نفی شده است «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ (انعام/۶)».

مسیحیت: در مسیحیت عیسی مسیح جسم خدا است. در ابتدای فراز اول انجیل یوحنا آمده است که «در آغاز کلام بود و کلام با خدا بود و کلام، خدا بود (۱۴:۱-۲۳)». بعد در انتهای فراز اول می‌گوید «و کلام انسان شد و در میان ما مسکن گزید»؛ در این جا به صراحت به حلول خدا در صورت جسم مسیح اشاره دارد. مسیحیان معتقدند چون عیسی جسم خداست، پس می‌توان خدا را به طور کامل و صریح شناخت به دلیل اینکه عیسی انکشاف صریح خدا است (مک گراث، ۲۰۱۴م، ج ۲، ص ۴۷۳).

یهودیت: در یهودیت نیز تاکید بر یگانگی خدا وجود دارد؛ خدا به عنوان موجودی بی‌همتا و فراتر از هر تجسم یا تجسم‌پذیری تعریف شده است (کهن، ۲۰۲۳م، ص ۳۰). البته باید خاطر نشان کرد در عهد عتیق روایاتی از برخورد انبیا با خدا به صورت جسمانی گزارش شده است. برای مثال



حضرت یعقوب با خدا به گشتی می‌پردازد (سیار، ۲۰۲۴م، ص ۲۴۲).

۴.۲.۴. تحلیل عدم جسمانیت خدا در ادیان الهی

خدایی که قابل مشاهده و جسمانی باشد بدون شک نیازمند مکان و جهت است و همین نیازمندی علت محدودیت و ضعف خواهد بود؛ در صورتیکه خدا نه محدود است و نه ضعیف و نیازمند. بنابراین، خدا از چنین صفاتی مبرا است. در مسیحیت به طور واضح خدا دارای جسم و قابل شناخت است که این عقیده بنابر دلایلی که بیان شده است باطل است. عقیده کلی یهودیان عدم جسمانیت خدا است اما نقل قول هایی مبنی بر جسمانی بودن خدا در عهد عتیق به آن آسیب می‌زند.

۵.۲.۴. توصیف عدم انفعال خدا در ادیان الهی

اسلام: در اسلام، خدا از هر نقص و کمبود مبرا است و تغییرناپذیر است. امام حسین (علیه السلام) در قسمتی از تفسیر کلمه صمد می‌فرماید خدا «لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ» است که این نشان دهنده عدم تغییر در خدا است (صدوق، ۲۰۱۰م، ص ۹۸، ح ۳).

مسیحیت: در مسیحیت خدای مجسم که مسیح باشد رنج کشید و از آنجایی که در الاهیات مسیحی عیسی جسم خداست می‌توان این نتیجه را گرفت که خدا رنج

کشیده است. گرچه عالمان مسیحی این مسئله را قبول ندارند و معتقدند که وجه انسانی مسیح رنج کشیده است (مک گراث، ۲۰۱۴م، ج ۲، ص ۴۰۹).

یهودیت: در متون یهودی، خدا گاهی به گونه‌ای توصیف می‌شود که احساسات انسانی مانند پشیمانی یا خشم دارد و یا حتی با یعقوب نبی گشتی می‌گیرد (سیار، ۲۰۲۴م، ص ۲۴۲). البته در این‌گونه موارد نیز عالمان یهودی به تاویل این متون متوسل می‌شوند.

۶.۲.۴. تحلیل عدم انفعال خدا در ادیان الهی

تغییر برای ایجاد کمال یا ایجاد نقص است که رخ می‌دهد و هر دو صورت طبق مبنای کامل بودن خدا در محال است. در مسیحیت احساسات به وجوه جسمانی خدا نسبت داده شده است که این سخن به دلیل تقسیم وجوه خدا به دو بخش انسانی و الهی باعث تایید ترکیب در خدا و ضعف او خواهد شد. قبول تفسیر و تاویل در جزئیات رفتار خدا در قالب جسم که در یهودیت رواج دارد به دلایلی که در مطالب قبلی مطرح شده است امکان پذیر نخواهد بود.

اعتقاد به نبوت: اعتقاد به نبوت پیامبران برای هدایت مردم در تمامی ادیان مورد قبول و ثابت است اما ویژگی‌ها و افرادی که مورد بعثت قرار می‌گیرند با یکدیگر تفاوت دارند که به بررسی این مطلب در ادیان ابراهیمی پرداخته می‌شود:



۳.۴. توصیف اعتقاد به نبوت در ادیان الهی
الف) اسلام: اعتقاد به نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به عنوان آخرین پیامبر الهی و امامت اهل بیت (علیهم السلام الله) به عنوان جانشین ایشان تنها مختص به مسلمین و شیعیان است و جزو مختصات اسلامی (تشیع) محسوب می شود.

ویژگی ها: اسلام تمامی پیامبران الهی را معصوم از گناه می داند (مصباح یزدی، ۲۰۰۴، ص ۲۰۱). هر پیامبر برای تثبیت هدایت به جانشین نیاز دارد که این ویژگی در مسیحیت و یهود هم دیده می شود.

خاتمیت: در قرآن به صراحت در آیه ۴۰ سوره احزاب حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را خاتم نبیین و آخرین پیامبر الهی معرفی می کند.

امتداد نبوت: ضرورت عقلی وجود هدایتگر

معصوم
«الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده/۵)

این آیه که در روز غدیر و هنگام نصب امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده، به وضوح بیانگر آن است که دین اسلام بدون امامت و امامان منصوب خدا ناقص است و مورد رضایت حق تعالی نیست. در این زمینه می توان به نظرات علامه طباطبایی استناد کرد که امام را تداوم نبوت می داند. علامه

معتقد است وظیفه پیامبر ابلاغ دین و وظیفه امام تبیین و تفسیر دین است؛ بنابراین امامت ادامه نبوت است، نه از راه تشریع جدید، بلکه از راه حفاظت، تبیین و تحقق خارجی دین. همچنین از راه ادله عقلی بیان می کند که نمی توان پذیرفت خدا پس از پیامبر مردم را بدون حجت رها کند؛ زیرا بر اساس قاعده لطف، چنین امری با حکمت خدا ناسازگار خواهد بود. علامه فهم قرآن را نیز در گرو سخنان معصومین می داند و معتقد است تنها راه تفسیر حقیقی قرآن از طریق معصومین ممکن است (طباطبائی، ۱۸۹۳م، ص ۱۸۲).

با همه این تفاسیر، به نظر نگارندگان مهم ترین نقطه قوت اسلام شیعی، امامت است؛ و اگر امامت به صورت انتصابی از جانب خدا وجود نداشت، اسلام نیز مانند دیگر ادیان و مذاهب دچار حیرت و سردرگمی می شد و قطعاً دچار انحرافات می گردید، همان گونه که ادیان و مذاهب دیگر دچار آن شده اند.

ب) یهودیت:

موسی (علی نبی ن او آله و علیه السلام) پیامبر مبعوث شده و تشریع کننده یهود توسط خداست. جانشین موسی هارون (برادر او) بود که پیش از موسی فوت کرد و به همین علت یوشع به جانشینی موسی (علی نبی ن او آله و علیه السلام) برگزیده شد (سفر تثنیه، ۳۱: ۱-۸). با این حال، دیدگاهی که



و کامل‌ترین دین الهی است، جانشینان پیامبر آن نیز باید کامل‌ترین و برترین باشند. همین نقطه قوت اسلام است که اوصیای حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) - مانند ایشان - دارای عصمت مطلق از گناه و خطا، و ولایت تکوینی و تشریعی هستند.

۴.۴. عدم تحریف کتاب

الف) اسلام:

قرآن، کتاب نازل‌شده از سوی خدا بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، از زمان نزول تاکنون دچار هیچ‌گونه تغییری نشده است. همین تحریف‌ناپذیری - مورد اجماع اهل سنت و شیعه است - گویای زنده بودن معجزه قرآن است. برای اثبات عدم تحریف قرآن می‌توان چند دلیل اقامه کرد:

اهتمام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، صحابه و مسلمانان بر حفظ و حراست از قرآن (قرشی، ۲۰۰۷م، ج ۵، ص ۲۷۰).

آیات تحدی در قرآن کریم که تمام انس و جن را به آوردن حتی یک سوره مانند قرآن دعوت می‌کند (بقره/۲۳).

آیات قرآن مبنی بر حفظ قرآن توسط خود خداوند (حجر/۹).

ب) یهودیت:

در یهودیت، این اعتقاد وجود دارد که تورات موجود همان توراتی است که موسی از خدا دریافت کرده است. اما این دیدگاه به چند دلیل قابل قبول نیست؛ زیرا بنا بر شواهد تاریخی، تورات دوبار به‌طور کامل از

اسلام نسبت به پیامبران دارد در یهودیت مشاهده نمی‌شود؛ زیرا با نسبت دادن برخی گناهان به پیامبران - همچون لوط (پیدایش، ۱۹: ۳۰-۳۸)، داود (دوم سموئیل، فصل ۱۱) و حتی موسی (اعداد، ۲۰: ۱-۱۳) - آنان را از مقام عصمت دور نگه می‌دارند.

ج) مسیحیت:

عیسی بن مریم (علی‌نبی‌ن‌اوآله‌وعلیه‌السلام) پیامبر مبعوث‌شده برای تبلیغ دین مسیحیت است. حواریون جانشینان عیسی مسیح بودند. تعداد آنان دوازده نفر بود و وظیفه تبلیغ مسیحیت را داشتند؛ اما پیامبر یا نبی معصوم از خطا نبودند (باغبانی؛ رسول‌زاده، ص ۱۸-۴۳، ۲۰۱۴). در مسیحیت - همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد - عیسی همان خداست؛ بنابراین بحث عصمت برای او معنا ندارد.

۱.۳.۴. تحلیل اعتقاد به نبوت:

به نظر نگارندگان، تفاوت (و همان نقاط قوت اسلام) با مسیحیت و یهود در امر نبوت را می‌توان در دو مطلب خلاصه کرد:

۱. اسلام جایگاه پیامبر را به‌طور کلی جایگاهی رفیع قرار می‌دهد و برای آنان قائل به عصمت است؛ در حالی که در مسیحیت و یهود، عاری بودن از گناه و خطا در رفتار و کردار پیامبران الهی دیده نمی‌شود.

۲. هر نبی نیاز به جانشینانی برای ادامه راه هدایت و تکمیل آن دارد تا دین بعدی به ظهور برسد؛ اما از آن جا که دین اسلام آخرین



وجه برتری اخلاق در اسلام ابتدا می‌بایست به تعریف اخلاق و گرایش و رابطه میان آن‌ها پرداخت شود.

۱.۵. تعریف اخلاق و گرایش و رابطه میان آن‌ها

اخلاق، حالتی نفسانی است که بدون اختیار، انسان را به سوی انجام فعلی سوق می‌دهد (مصباح یزدی، ۲۰۰۳، ص ۱۳). در تعریفی دیگر آمده است: اخلاق، نظام ارزشی و هنجاری‌ای است که انسان باید اعمال و منش خود را برای دستیابی به کمال و تعالی، بر اساس دستورها و توصیه‌های آن تنظیم کند (اخلاق اسلامی، ج ۱، ص ۲۰). منشأ اخلاق می‌تواند از دین، فرهنگ یا فلسفه‌ای خاص گرفته شده باشد؛ اما گرایش، تمایلات و پیش‌زمینه‌های روانی در فرد هستند که او را به سوی عقیده‌ای خاص یا انجام اعمال معینی سوق می‌دهند. منشأ گرایش‌های فرد نیز می‌تواند ناشی از تجربه‌های شخصی، فرهنگ و آموزش باشد.

رابطه منطقی میان اخلاق و گرایش، عموم و خصوص من‌وجه است. از جمله وجوه افتراق اخلاق با گرایش می‌توان به عمومی‌بودن اخلاق در جامعه در مقابل فردی و خصوصی‌بودن گرایش هر فرد، و نیز نظام‌مندبودن اخلاق در برابر بی‌ساختار و بدون نظام‌بودن گرایش‌های فردی اشاره کرد. در این مرحله می‌بایست وجوه برتری اخلاقی و گرایشی اسلام نسبت به مسیحیت و

بین رفته و هر بار توسط کاهنان بازنویسی شده است. همچنین، حجم فعلی تورات بسیار بیشتر از آن است که بتوانسته باشد بر روی چند قطعه سنگ نوشته شود. علاوه بر این، شواهدی در متن تورات وجود دارد که نشان می‌دهد نویسندگان آن شخصی غیر از حضرت موسی است (اردستانی، ۲۰۲۲، ص ۳۸). برای مثال، در ابتدای سفر تثنیه از قول حضرت موسی به بنی‌اسرائیل سخنانی نقل می‌شود که مربوط به زمانی است که آنان از رود اردن عبور کرده‌اند؛ در حالی که موسی پیش از عبور از رود اردن از دنیا رفته است (اردستانی، ۲۰۲۲، ص ۴۱).

ج) مسیحیت:

مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی با خود کتابی نیاورده است؛ زیرا او خدای مجسم است و عیسی مسیح حامل پیام الهی نیست، بلکه خود «عین پیام الهی» به شمار می‌آید (اردستانی، ۲۰۲۲، ص ۱۶۵). با این حساب، تمامی عهد جدید از حجیت کامل برخوردار نخواهد بود؛ زیرا نویسندگان آن، اولاً غیرمعصوم بوده‌اند و ثانیاً کلام وحی را مکتوب نکرده‌اند تا بتوان برای آن حجیت قائل شد. یعنی به دلیل نداشتن ارتباط با وحی، نمی‌توانستند کاتب وحی باشند.

۵. تحلیل وجه برتری گرایشی (اخلاقی)

اسلام بر سایر ادیان

در بحث اخلاق باید توجه کرد که اخلاق با گرایش متفاوت است و برای پرداختن به



یهودیت بررسی شود.

۲،۵. ویژگی‌های اخلاقی - گرایشی ممتاز

و منحصر بفرد اسلام و مقایسه آن‌ها با

مسیحیت و یهودیت

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یکی از دلایل مبعوث شدن خویش را تکمیل مکارم اخلاقی بیان می‌کنند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۹۸۲م، ج ۱۶، ص ۲۱۰). این روایت نشان‌دهنده اهمیت فراوان اخلاق در ساختار دستورات اسلامی است. به همین علت، پیامبر و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) تمامی تلاش خود را به‌کار گرفتند تا نظام اخلاقی اسلام را پایه‌گذاری و تثبیت کنند.

نظام اخلاقی اسلام مجموعه‌ای از دستورات است که بر پایه عقل و وحی و بر اساس فطرت انسانی بنا شده و هدف آن سعادت دنیا و آخرت انسان است. می‌توان گفت برتری نظام اخلاقی اسلام در این است که علاوه بر سفارشات خاص و جزئی در زمینه‌های مختلف - مانند رفتار با والدین و فرزندان و بالعکس، یا رفتار با دوستان و دیگران - که از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به ما رسیده است، اصول کلی‌ای نیز ارائه شده که از طریق آن‌ها می‌توان به درستی یا نادرستی رفتارها پی برد و در موقعیت‌های حساس از تردید و شک خارج شد. از جمله این اصول می‌توان به حسن و قبح عقلی و قاعده لاضرر اشاره کرد.

همچنین باید خاطرنشان کرد اسلام تنها به دنبال صدور دستور برای تنظیم رفتار فرد نیست، بلکه به دنبال تربیت اخلاقی انسان نیز می‌باشد؛ زیرا در دیدگاه اسلامی، انسان خلیفه‌الله است، نه موجودی عادی مانند دیگر حیوانات و نباتات. خداوند با بیان آیه ۷۲ سوره ص می‌فرماید: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»؛ بر این اساس، ارزش انسان از سایر موجودات فراتر می‌رود. اما اگر انسان برخلاف سرشت و روح الهی‌ای که خداوند در او قرار داده است رفتار کند، «كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف/۱۷۹) خواهد شد. از همین رو، اسلام در پی آن است که انسان را به جایگاه رفیع خلیفه‌اللهی برساند.

اخلاق در اسلام را به‌طور کلی می‌توان در سه حوزه بررسی کرد: اخلاق بندگی، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف) اخلاق بندگی: اخلاق بندگی تنظیم‌کننده رفتار میان فرد و خداوند است؛ مانند توکل.

ب) اخلاق فردی: اخلاق فردی شامل رفتارها و صفات نفسانی شخص، فارغ از در نظر گرفتن دیگران، است؛ مانند حلم.

ج) اخلاق اجتماعی: اخلاق اجتماعی به رفتارها و صفاتی مربوط می‌شود که در تعامل با دیگران و در بستر جامعه معنا پیدا می‌کند؛ مانند حسد.

تمامی موارد فوق خود به دو دسته تکوینی و تشریعی تقسیم می‌شوند. در سرشت تمامی



(اردستانی، ۲۰۱۹م، ص ۷۳).

۶. تحلیل وجه برتری کنشی - رفتاری (فقه) اسلام بر سایر ادیان

الف) اسلام:

شریعت اسلام، یا همان فقه، مجموعه‌ای از دستورات است که به منظور سامان دادن به زندگی دنیوی و اخروی انسان، همراه با جزا (عقاب و ثواب) وضع شده است. یا به عبارتی دیگر، فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان «از گهواره تا گور» است (خمینی، بی‌تا، ص ۸) که دربرگیرنده تمامی اعمال انسان در رابطه با خدا، خود و جامعه می‌شود. شریعت و فقه اسلامی ویژگی‌های فراوانی دارد که آن را از سایر ادیان متمایز می‌سازد؛ اما به نظر نگارندگان، چهار ویژگی ویژه که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، سبب تمایز و برتری شریعت اسلام نسبت به دیگر ادیان می‌شود. جامعیت:

جامعیت احکام اسلامی به گونه‌ای است که تمامی مسائل پیش‌روی انسان را دربرمی‌گیرد و تنها به احکام عبادی محدود نمی‌شود. وجود احکامی در حوزه معاملات، سیاست، ازدواج و دیگر مسائل گوناگون - که در پنجاه و دو باب کتب فقهی مطرح شده است - گویای این جامعیت است. انعطاف‌پذیری:

احکام اسلام ثابت بوده و بر اصول مشخصی استوارند؛ با این حال، قواعد و اصولی نیز وجود دارند که از حکم ثابت پیروی

انسان‌ها اخلاق تکوینی نهاده شده است و همه ادیان بر رعایت آن تأکید دارند؛ مانند قبح ظلم. اما تفاوت اخلاق اسلامی با دیگر ادیان در اخلاق تشریعی است که شامل دستورهای خاص فردی و اجتماعی می‌شود و گاه با مجازات دنیوی و عقاب اخروی همراه است.

در مسیحیت، تأکید فراوانی بر اخلاق وجود دارد و این دین، دین محبت معرفی می‌شود؛ اما همچنان تأکیدهای اخلاقی آن عمدتاً بر انسانیت (اخلاق تکوینی) و محبت به هم‌نوع به طور کلی استوار است و شامل نظام جزا و عقاب نمی‌شود. به عبارت روشن‌تر، منشأ اخلاق در مسیحیت کلام خداوند است و هر آنچه خداوند دستور داده است باید انجام شود؛ و همان‌گونه که بیان شد، بنیان این احکام و اخلاق مسیحی بر دو اصل بخشش و لطف الهی استوار است (شانظری؛ زارعیان، ۲۰۱۱م، شماره ۴، ص ۱۵۳-۱۸۰).

یهودیت نیز دارای نظام اخلاقی منسجمی است و کتاب مقدس در کنار سایر امور عبادی و اجتماعی، به اخلاق توجه ویژه‌ای دارد و زندگی اجتماعی و دینی افراد را جدا از اخلاق نمی‌داند (علی‌خانی، ۲۰۱۰م، شماره سوم، ص ۶۵-۹۴)؛ اما در برخی موارد، مصلحت قومی بر اخلاق غلبه می‌کند. برای مثال، در تورات نمونه‌هایی وجود دارد که حضرت موسی دستور به غارت اقوام دیگر در هنگام جنگ و قتل زنان و کودکان می‌دهد

نمی‌کنند، مانند قاعده لاضرر و لاجرح که به منظور جلوگیری از ضرر و مشقت برای فرد در شرایط خاص وضع شده‌اند. همچنین، به منظور افزایش انعطاف‌پذیری احکام، عرف نقش مهمی در تشخیص مسائل ایفا می‌کند و در بسیاری از موارد، تشخیص موضوع به عرف مردم واگذار شده است.

کارآمدی در هر زمان:

اجتهاد از جمله برتری‌های اسلام است که با اجازه ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به فقیهان اعطا شده است تا بتوانند برای مسائل جدید و مستحدثه، از طریق منابع دینی، حکم آن‌ها را استخراج کنند. همین ویژگی سبب شده است که اسلام در تمامی زمان‌ها نسبت به مسائل نوپدید و نیازهای گوناگون جامعه پاسخ‌گو باشد. البته باید توجه داشت که این پاسخ‌گویی مبتنی بر اصول و مبانی‌ای است که توسط ائمه تبیین شده و فقیهان شیعه، برخلاف اهل سنت، چیزی از پیش خود به دین اضافه نمی‌کنند و فتوا بر اساس قیاس یا رأی شخصی صادر نمی‌نمایند.

نظام قضایی جامع:

در اسلام، افزون بر احکام فردی، برای امور اجتماعی همچون جرایم، شکایات و ارث نیز قوانین و اصول مدونی وضع شده است که هدف آن برقراری عدالت اجتماعی در کنار عدالت فردی است.

(ب) مسیحیت:

در مقابل، مسیحیت دارای شریعت عملی مبتنی بر قوانین مدون نیست، بلکه شریعتی که معرفی می‌کند بر پایه محبت است. البته بر اساس کلام حضرت عیسی که می‌فرماید: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم؛ نیامده‌ام تا آن‌ها را نسخ کنم، بلکه آمده‌ام تا تحققشان بخشم» (متی ۵: ۱۷-۲۰)، مسیحیان در اصل باید به شریعت موسی پایبند باشند؛ همان‌گونه که مسیحیت در آغاز شاخه‌ای از یهودیت به‌شمار می‌آمد و تا پیش از ظهور پولس، به شریعت یهود عمل می‌شد. اما با ظهور پولس و این عقیده که با ظهور مسیح، شریعت پایان یافته و شریعت جدید همان محبت است، شریعت عملاً از میان مسیحیان رخت برپست (باغبانی، ۲۰۱۴م، ج ۱، ص ۹۸).

به همین دلیل، جامعیتی که در اسلام مشاهده می‌شود هرگز در مسیحیت دیده نمی‌شود؛ زیرا صرف محبت برای سامان‌دهی زندگی فردی و اجتماعی کافی نیست. از سوی دیگر، عقل انسان‌ها نیز به سبب محدودیت‌ها و تعارض سلیقه‌ها، توان برنامه‌ریزی کامل برای سعادت بشری و ارائه یک نظام واحد و فراگیر برای نوع انسان را نخواهد داشت.

(ج) یہودیت:

در یهودیت، شریعت وجود دارد؛ اما



این شریعت با قوم محوری خاصی همراه است و در آن، اندیشه اختصاص خداوند و نعمت‌های الهی به قوم یهود برداشت می‌شود. همچنین، یهودیان معتقدند تنها کسانی یهودی حقیقی هستند که مادر آن‌ها یهودی باشد و اگر فردی که مادرش یهودی نیست به یهودیت بگردد، یهودی حقیقی به شمار نمی‌آید (آنترمن، ۲۰۲۳، ص ۳۰). نژادپرستی در یهودیت نمود آشکاری دارد و همین ویژگی سبب می‌شود که این دین نتواند پاسخ‌گوی همه جهانیان باشد و خود را به گروهی خاص محدود کند.



۷. نتیجه

قوت اصلی اسلام، ولایت و امامت است که خداوند آن را برای جلوگیری از انحراف و تکمیل دین به اسلام عطا کرده است.

تحلیل برتری اسلام بر سایر ادیان و مکاتب در سه نتیجه اساسی جمع‌بندی می‌شود:

۱. بر اساس دلیل عقلی، و با فرض الهی‌بودن ادیان ابراهیمی، لاجرم اسلام باید نسبت به سایر ادیان ابراهیمی برتر باشد؛ در غیر این صورت، حکمت الهی مورد خدشه قرار خواهد گرفت.

۲. یهودیت دینی شریعت‌محور و مسیحیت دینی با اخلاق‌محوری افراطی است، در حالی که اسلام با ترکیب شریعت و اخلاق در عالی‌ترین سطح، اعتدال را برقرار کرده و زمینه سعادت انسان را منطبق با عقل و فطرت فراهم می‌سازد.

۳. تمامی ادیان الهی در زمان خود دین حق بوده‌اند، اما با ظهور دین تشریعی جدید، دین پیشین نسخ شده و پیروان آن ملزم به پیروی از آیین جدید می‌گردند. از آن‌جا که اسلام آخرین دین نازل شده از سوی خداوند است، ادیان پیشین ملزم به تبعیت از آن هستند؛ از این‌رو، یهودیت و مسیحیت فعلی باطل‌اند، هرچند در زمان خود حق بوده‌اند. در مجموع، باید به این نتیجه رسید که اسلام برترین و کامل‌ترین دین برای هدایت بشر به سوی سعادت است. دین اسلام با پشتوانه‌ای اعتقادی، اخلاقی و فقهی که ریشه در عقل و وحی دارد، تمامی شئون زندگی انسان را دربرمی‌گیرد و او را از هر نظام فکری دیگری نیاز می‌سازد. با این‌همه، نقطه



منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۹۸۳
- قدیس، آگوستین، آموزه مسیحی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۲۰۲۲
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار لدرر الاخبار الاثمه الاطهار علیهم السلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۲
- باغبانی، جواد؛ رسول زاده، عباس، شناخت کلیسای کاتولیک، تهران، سمت؛ موسسه پژوهشی امام خمینی ره، ۲۰۱۴
- شانظری، جعفر؛ زارعیان، فائزه، نگاهی بر مبانی و آموزه های اخلاق مسیحیت، فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق، شماره چهارم، ۲۰۱۱
- مک گراث، آلیستر، الهیات مسیحی، گروهی از مترجمان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۲۰۱۴
- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۲۰۰۴
- -----
- ----- فلسفه اخلاق، تهران -----
- -----، ۲۰۰۳
- موسوی خمینی، روح الله، منشور
- روحانیت، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- غروی، محسن؛ غلامی، محمدرضا؛ میرباقری، محمدحسین، آموزش عقاید، قم، انتشارات دارالعلم، پنجم، ۲۰۰۹
- کهن، ابراهام، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، اساطیر، ۲۰۲۳
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۹۸۹
- مکارم شیرازی، ناصر، زندگی در پرتو اخلاق، قم، سرور، ۲۰۱۰
- منتظری، حسینعلی، از آغاز تا به انجام در گفتگوی دو دانشجو، تهران، گواهان، ۲۰۰۹
- ابن بابویه صدوق، محمد بن علی، ترجمه توحید صدوق، میرزائی، علی اکبر، قم، علویون، ۲۰۱۰
- انجیل، هزاره نو، ایلام، ۲۰۲۰
- علی خانی، اسماعیل، «اخلاق در آیین یهود»، مجله معرفت اخلاقی، شماره سوم، ۲۰۱۰
- آنترم، الن، باورها و آیین یهود، ترجمه رضا فروتن، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۲۰۲۳
- سیار، پیروز، عهد عتیق، تهران، نی؛ هرمس، ۲۰۲۴
- حاجی علی، فریبا، «تاملی بر آیه نفی سبیل با تاکید بر مفهوم واژه سبیل»، نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث،



شماره ۲، ۲۰۰۷

- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات وابسته وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۹۹۲
- اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، قم، کتاب طه، ۲۰۱۹

• - بررسی متنی و سندی متون مقدس یهودی-مسیحی، تهران، سمت، ۲۰۲۲